

## اماکن دارای جاذبه گردشگری در دامغان با تکیه بر بناهای تاریخی

احمد رضا بهنیا فر

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد دامغان

هادی ناظمی

مدیر پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد

دامغان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### چکیده

گردشگری موضوعی با سابقه‌ی تاریخی طولانی در جوامع، از جمله جامعه‌ی ما محسوب می‌شود. مسئله‌ی اصلی در پژوهش حاضر، بیان ارزش گردشگری و معرفی اماکن دارای جاذبه‌ی گردشگری دامغان است. هر چند که تاکنون، تحقیقاتی در این باره انجام شده

است؛ ولی با توجه به سابقه‌ی تاریخی دامغان تاکید مقاله‌ی حاضر بر روی اماکن تاریخی این شهر است.

روش مورد استفاده در نگارش مقاله نیز کتابخانه‌ای و براساس مشاهده‌ی اماکن است. یافته‌ی اصلی مقاله آن است، که دامغان می‌تواند مرکز گردشگری مهمی باشد و از این طریق پیشرفت کند.

### **کلید واژه**

گردشگری ، اماکن تاریخی، دامغان.



## مقدمه

گردشگری معادل فارسی واژه‌ی توریسم (Tourism) در زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی است که یکی از معانی آن گردش کردن و یا گشتن است و با پسوند Ism (گری) به صورت اسم مصدر Tourism یا گردشگری آمده است. به طور کلی از دیرباز تاکنون، عوامل گوناگون دینی، تفریحی و کنجکاوی انسان، باعث انجام سفرهای کوتاه و بلند مدت با هدف گردشگری شده است. در ایران نیز گردشگری پدیده‌ای فصلی با قطب‌های محدود و تقریباً درون‌زا است و در بخش خارجی، بیشتر بازاری برای کشورهای همسایه محسوب می‌شود تا جلب گردشگری برای بازارهای داخلی.

هرچند که تبلیغات سوء، علیه کشورمان و عملکرد ضعیف برای تبلیغات و جلب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در راستای زیرساخت‌های این صنعت، در کاهش گردشگری بسیار موثر بوده است. از این روی با هدف شناساندن جاذبه‌های گردشگری، در مقاله‌ی حاضر سعی شده است، اماکن دارای جاذبه‌ی گردشگری در دامغان با تاکید بر مکان‌های تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و معرفی شوند.

## آشنایی با شهر دامغان

دامغان، یکی از شهرهای استان سمنان از شمال به خط الراس و رشته کوه البرز، از شرق به شاهرود، از جنوب به دشت کویر و از غرب به سمنان منتهی می‌شود و با بیش از دوازده هزار و صد و ده کیلومتر مربع وسعت، حدود شصت هزار نفر جمعیت دارد. سلسله جبال البرز، مانند سد عظیمی نواحی مرطوب شمال کشور و دامغان را از هم جدا کرده است، از این رو بارندگی در این ناحیه بسیار کم است. قسمت‌های کوهستانی دامغان سردسیر و ییلاقی و قسمت جنوب مناطق کوهستانی، در مسیر دالانی از باد قرار گرفته است. در اطراف دامغان چند آب معدنی کم اهمیت وجود دارد که هنوز از طرف مقامات صلاحیت‌دار تجزیه

نشده و خواص آن به تحقیق معلوم نشده است. ولی اهالی دامغان برای معالجه‌ی بعضی از امراض خود از آنها استفاده می‌کنند. مثل آب معدنی باباولی، جیران، قاسم‌آباد و ... چند غار طبیعی نیز در دامغان وجود دارد از جمله:

1- غار زروام که در 12 کیلومتری جنوب غربی تویه‌دروار واقع شده که داخل آن پوشیده از ستون‌های بزرگ و کوچک استالاکمیت است.

2- غار گت‌آفله در بالای تنگه‌ی دشتبو که بیش از 20 متر طول ندارد و در انتهای آن چاهی عمیق است که تاکنون نتوانسته‌اند عمق آن را معلوم کنند.

3- در محله‌ی پی حصار قریه‌ی تویه، غاری است که وجود تنوری در آن ثابت می‌کند که در گذشته گروهی در آن جا ساکن بوده‌اند.

درباره‌ی با راه‌های معروف دامغان، مقدسی، در اثر خود راهی را ذکر کرده است که دامغان را به جندق متصل می‌کند. (مقدسی، 723)

ناصرخسرو نیز از این راه نام برده و آن را تحت نظر اسماعیلیان دانسته است. (ناصرخسرو، 167)

از جمله راه دیگر، راهی است که از دامغان به چهار ده، (دیباچ کنونی) منتهی می‌شود و سرانجام راه کویری حسینیان که منتهی به یزد و اصفهان می‌شود. (گلزاری، 25)

در باب محله‌های دامغان، اعتماد السلطنه می‌گوید: «شهر دامغان پنج محله دارد، خوریا، شاه (امام فعلی)، بالامحله، دباغان، قلعه» (اعتمادالسلطنه، 267/3)

و هوتم شیندلر این محلات را به گونه دیگری ذکر کرده که عبارتند از: شاه (امام)، چوب‌مسجد، دباغان، سراوری، زرجوب و محله آب که در بیرون شهر است. (شیندلر، 159)

در باب وجه تسمیه‌ی دامغان آمده است، که اعراب آن را الدامغان و گاه ده‌مغان می‌گفتند و به همین شکل و هیئت، از قرون نخستین اسلامی یاد شده است. سمعانی آن را از بلاد قومس و به صورت «با الدال مفتوحه و المشدده و المیم المفتوحه و الغین النقطه» ضبط کرده است.

(سمعانی، 289/5) در پاره‌ای از روایات مبنای این شهر را توسط مغان زردشتی دانسته (حکیم، 862) و نیز برخی از مورخین، بنای این شهر را به هوشنگ نییره کیومرث پیشدادی نسبت داده‌اند. (شروانی، 521) در اهمیت تاریخی دامغان همین بس، که مورخان و جغرافی‌دانان زیادی در این باره اظهار نظر کرده‌اند، که فقط به 2 نمونه اشاره می‌نماییم.

1- ابوالفداء، در قرن هشتم هجری قمری به نقل از چند تن از جغرافیدان قبل از خودش در باب دامغان مطالبی آورده، دامغان را شهری پر نعمت وصف کرده و می‌گوید: از اهل علم بدان شهر منسوبند. (ابوالفداء، 499)

2- اصطخری نیز در اثر خود بیان نموده است، که دامغان بزرگترین شهر قومس است. (اصطخری، 3، 172)

### اماکن دارای جاذبه‌های گردشگری دامغان

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان جاذبه‌های گردشگری دامغان را در سه بخش تقسیم کرد. بناهای تاریخی که شامل مسجد تاریخانه، برج پیرعلمدار، چشمه‌علی، قلعه گردکوه، تپه-حصار، مسجد جامع دامغان، مناره مسجد جامع، مولود خانه‌ی دامغان، آستانه‌ی مبارکه‌ی معصوم‌زادگان عبدالعالی و عبدالمعالی و چندین بنای تاریخی قابل ذکر دیگر می‌شود. جاذبه‌های جغرافیایی و محیطی که شامل بادهای محلی با عنوان‌های باد تورانه، باد ازبابه، باد شهریاری و باد چالو و باد پایین می‌شود. یکی از مواردی که در دامغان ذهن هر مسافری را به خود مشغول می‌کند بادهای شدید در مسیر راه است.

اگرچه در زمان حال با توجه به امکانات مدرن، مشکلات کمتری برای کسانی که گذر می‌کنند ایجاد می‌شود، ولی در گذشته، به دلیل رفت و آمد به صورت پیاده و یا با چهارپا این چنین نبوده و کسانی که با این منطقه و باد شدید آن آشنایی نداشتند با توجه به این گفته تاریخی می‌توان به عمق معضل پی برد. مقدسی، سیاح و جغرافی‌نویس مشهور می‌نویسد:

«در یکی از کوه‌های میان سمنان و دامغان شکافی موجود است، که موقعی معین از سال آنجا بادی به سوی جاده می‌وزد، این باد به هر کسی که از آن راه می‌گذرد برخورد نماید هر چند لباس پشمی هم به تن داشته باشد او را می‌کشد. فاصله‌ی میان جاده و این شکاف یک فرسخ است. دهانه‌ی شکاف در حدود چهار ذراع و باد تا شعاع دو فرسخی زیان‌بخش است و با هر جاننداری برخورد کند او را متلاشی می‌سازد، این شکاف و اطراف آن در نزدیکی جاده است، مادران نام دارد.»

به خاطر دارم هنگامی که از آن حدود گذشته بیش از دو‌یست نفر و زیاده‌تر از این عده چارپا همراه ما بودند و باد وزیدن گرفت و به جز من و یک مرد دیگر همه‌ی مردم و حیوانات تلف شدند. علت رهایی ما از مرگ آن بود که اسب‌های ما خوب و چابک بودند و ما را به ساختمان و سرپناهی در سر راه رسانیدند. ما سه شبانه‌روز در آن جا بیهوش و گیج افتاده بودیم، سپس به هوش آمدیم. دیدیم اسب‌هایمان تلف شده‌اند و آن‌گاه به خواست خدای متعال، کاروانی رسید و ما را همراه خود برد و بدانستیم و از مرگ رهایی یافتیم.» (مقدسی، 801)

صنیع‌الدوله نیز، در دوره‌های بعد، از این باد به این گونه یاد می‌کند: وجه عمده‌ی وزیدن بادهای سخت که اکثر اوقات در حال وزش است مردم را از اقامت در این ناحیت متاذی و دل‌آزار می‌سازد. (صنیع‌الدوله، 2212)

با توجه به استفاده‌ی بهینه از منابع انرژی غیرفسیلی و توجه جهانی به تمام امکانات، بهره‌مندی از این مقوله قابل اعتنا است و می‌تواند توجیه اقتصادی مناسبی داشته باشد. از سوی دیگر وجود چشمه‌های متعدد که از نظر آب‌معدنی غنی است، خود مقوله‌ای در خور توجه است. اجماع بین‌المللی در خصوص توجه جامعه بشری به آب و اهمیت آن در چرخه‌ی زندگی و کمبود شدید آن در سده‌های آتی، این امکان را تقویت می‌کند، که شاید توجه شایسته‌ای به این موهبت الهی داشت. آب‌های معدنی دامغان شامل آب معدنی باباولی، جیران،

قاسم‌آباد، کل موشی و سه آب معدنی روستای تویه‌دروار است. سومین بخش از جاذبه‌های جغرافیایی اقلیمی دامغان، شامل بخش کشاورزی و شیوه‌ی آبیاری باغات دامغان است. شودزکو در اهمیت آب و آبیاری در این منطقه می‌گوید: حتماً برای این امر عده‌ای را مامور کردند تا جلوی تعدیات گرفته شود، و به طوری که آب به میزان مشخصی از آب پخش‌کن جدا شده و به نهرهای هر ده جاری می‌شد و مستحفظ سعی دارد که آب کم و زیاد نشود و کسی تعدی نکند. (شودزکو، 72)

چنانچه اکثر سیاحان و جغرافی‌دانان قرون اولیه‌ی هجری و سیاحان متاخر در منابع خود به وضعیت آب و شیوه‌ی آبیاری دامغان به دقت پرداخته‌اند و از چشمه‌ها و همچنین کاریزهای این منطقه سخن به میان آورده‌اند و منابع اصلی تامین آب شهر و حومه‌ی دامغان را از آب چشمه‌علی که زمین‌های زراعی و نقاط مسکونی را تامین می‌کند نام برده‌اند و نیز اوصاف قنات‌ها که کار سیراب کردن آبادی‌ها و مزارع را انجام می‌دهد می‌پردازند و بیهقی در کتاب خود به وصف قنات‌ها پرداخته است. (بیهقی، 813)

در این میان باغ‌های پسته‌ی دامغان در خور اهمیت است، که گاه‌گاه قدمت کهن دارند. مرغوبیت پسته‌ی دامغان و زمین مستعد جهت کشت این‌گونه درخت با توجه اقتصادی قابل اعتنایی مواجه است. پسته‌ی دامغان از مرغوب‌ترین نوع پسته‌ی کشور است. علت کاشتن درخت پسته در دامغان این است، که اولاً آب و هوای این حدود برای پرورش درخت پسته کاملاً مساعد است و ثانیاً کم‌آبی موجب پیشرفت این امر شده است زیرا درخت پسته‌ای که 30 سال از عمرش گذشته باشد می‌تواند 30 سال دیگر بدون آنکه آبی به آن داده شود سرسبز و سالم باقی بماند، چون ریشه‌ی اصلی این درخت به طور عمودی به عمق زمین فرو می‌رود و برحسب نوع خاک از لحاظ نرمی و محکمی پس از چند سال به جایی می‌رسد که می‌تواند از آب‌های زیرزمینی استفاده کند.

سالخوردگان دامغان کهن‌ترین درخت پسته‌ی موجود در دامغان را مربوط به 350 تا 400 سال قبل می‌دانند، و نیز برخی درختان کهن به طور پراکنده در بعضی از دیه‌ها دیده می‌شوند. چهارمین جاذبه‌ی اقلیمی دامغان ما را به محیط زیست جانوری این شهرستان دعوت می‌کند، که گونه‌های متعدد را در خود جای داده است. دارا بودن دو گونه‌ی زیستی کویری و جنگلی با ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردشان، می‌تواند با مدیریت صحیح، مکانی مناسب برای گردشگری و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی به شمار آید. با توجه به مطالب ذکر شده و با عنایت به این که موضوع مقاله اماکن دارای جاذبه‌ی گردشگری در دامغان با تکیه بر مکان‌های تاریخی است، به معرفی مهمترین آن‌ها می‌پردازیم.

## 1 - مسجد تاریخانه

تاری یعنی خدا (معین 101/1) تاری‌خانه نامی است، که از زمان‌های دور به این مسجد نهاده‌اند و اکنون نیز یکی از مساجد قدیمی دامغان است که از مهمترین آثار باستانی دامغان نیز محسوب می‌شود. قبل از غلبه‌ی اعراب به صورت آتشکده بود ولی بعداً به مسجد تبدیل شد. از این مسجد در حال حاضر چند ستون باقی است. (اعتماد السلطنه، 200/4)

خشت خام و آجری این مسجد، کلفت و بزرگ است و در سمت غرب مسجد پانزده طاق بر روی هیجده ستون محکم مدور که دور هر ستون چهار ذرع و نیم است، زده‌اند و در سمت شرق نیز هفت طاق و شش ستون وجود دارد. حیاط مسجد وسیع است و فضای تمامی مسجد را اشغال کرده است، که عرض آن چهل قدم و طول آن هفتاد قدم است. در جنب مسجد، مناره‌ای در کنار باغچه قرار دارد که ارتفاع آن بیست و پنج ذرع بوده و دوره‌ی آن در روی زمین دوازده ذرع و نیم است. این منار سکو ندارد و از روی زمین مدور ساخته شده، در وسط مایل به پایین مناره به خط کوفی (الامیرالسید الاجل) نوشته شده است. احداث این مسجد به سال 300 هجری می‌رسد و شیوه‌ی معماری آن ماخوذ از معماری ساسانی است، به



خصوص طاق‌های آن که از آجر ساخته شده و به طاق‌های دوره‌ی قبل از اسلام یعنی عهد ساسانی شباهت بسیار دارد. (کیانی، 42)

ستون‌های تاریخانه طاق‌های ضربی وسیعی دارد، که موازی با نماها است و در تمام طول خود از طرف بیرون؛ یعنی از جانب صحن مسجد باز می‌شود و مانند ایوان‌های واقعی بناهای زمان ساسانیان است. به طور کلی این مسجد جزء اولین مساجد ایران است که در آن مناره ساخته شده و ساخت مناره می‌تواند به تاثیر از مناره‌ی مساجد عراق باشد هرچند که ممکن است آن‌ها خود متأثر از معماری دوره‌ی ساسانی باشند. (عقابی، 158)

## 2- پیر علمدار

در شرق شهر دامغان، در محله‌ی خوریا، نزدیک مسجد جامع و مدرسه‌ی حاج فتحعلی بیگ، برج آرامگاهی واقع گردیده که به سال 417 هجری قمری به صورت برج مدور آجری با گنبد مخروطی پیازی شکل ساخته شده است. ارتفاع این بنا 13 متر، قطر داخلی آن 4/5 متر و شهرت آن به دلیل داشتن کتیبه‌ای زیبا با خط کوفی مشبک است، که به سبک بنای چهل دختران است. بنا بر معروف این برج آجری مدور آرامگاه محمدبن ابراهیم، پدر ابو حرب بختیاری، ولایتدار قومس، در پادشاهی سلطان مسعود غزنوی است؛ ولی مردم محل این بنا را مقبره‌ی یکی از علما به نام پیر علمدار می‌دانند. برج پیر علمدار حاشیه‌ای در بالا دارد که از آجر تزیین یافته و با توجه به این که آجرها به شکل خاصی برای آرایش این بنا ساخته شده، معلوم می‌شود که نقشه‌ی بنا قبلاً تهیه شده است. در داخل مقبره‌ی پیر علمدار کتیبه‌ای به خط کوفی مشبک است. (ویلسن، 131)

قطر درونی این برج که بنای آن در سال 417 قمری به پایان رسیده است، 4-47 متر است و هیچ گونه آرایشی جز کتیبه‌ای به خط کوفی و به رنگ سرمه‌ای در آن به کار نرفته است. ورودی آرامگاه عبارت از یک قاب مستطیل است که آجرکاری در آن بر روی بدنه‌ی

برج و به عرض دو آجر به گونه‌ای متفاوت با بقیه صورت گرفته است و برای ورود به داخل برج آرامگاه باید از سه پله پایین رفت. (عقابی، 158)

نام معمار این برج را علی بن محمد بن حسین بن شاه‌البناء نوشته‌اند. (بزرگ‌نیا، 37)  
درون برج، کتیبه‌ای بسیار زیبا در ارتفاع 3/5 متر از کف بنا واقع است که با بسم‌الله آغاز شده و با آیه 54 سوره زمر ادامه می‌یابد. نمای خارجی برج، با گنبد مدور آجری آن از نمونه‌های ارزشمند معماری آغاز قرن پنجم ایران به شمار می‌رود.

### 3 - چشمه‌علی

یکی از مباحث مهم، که تقریباً میان شهرهای قومس مشابهی ندارد، مشکل آب و سد آب است و آن هم از نوعی که بارها در تاریخ به عنوان عجایب دامغان ذکر شده است. در آنجا سد عجیبی برای تقسیم آب وجود دارد، که از آثار دوره ساسانی است. علت ایجاد سد آن هم با قدمت قبل از اسلام، یقیناً می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای داشته باشد، که از جمله می‌توان به پرجمعیت بودن دامغان در مقابل مقدار آب موجود و یا وسعت دامغان و تعدد روستاها دانست. همان‌گونه که نویسنده‌ی حدودالعالم در باب دامغان می‌نویسد: «شهری است با آب اندک و بر دامنکوه و مردمان جنگی» (حدود العالم، 146) با این وجود باغ و باغاتش بسیار است. (قزوینی، 137)

چشمه‌علی در چهار فرسخی شهر دامغان، واقع در سمت شمال شهر و آبش به جانب جنوب جاری شده، بعضی آب‌های دیگر ضمیمه‌ی آن می‌شود و به شهر دامغان می‌رود ... ذکر این چشمه در تواریخ قدیم و جدید بسیار شده است. (اعتماد السلطنه، مطلع الشمس، 42-41/1)

آب چشمه‌علی، دهات و قرای متعددی را در بین راه و در حوالی دامغان مشروب می‌سازد. در مخرج آب تخت کوچکی ساخته و سنگی بر آن نصب کرده‌اند، که گودی و عمق

دارد و مردم عقیده دارند که آن گودی جای سم اسب حضرت علی(ع) است و آب در آن گودی ریخته و به جهت کسب حواجیج و استشفای می‌آشامند. (اعتمادالسلطنه، همراه البلدان، 2212/4)

ایالت قومن در عهد قاجار مورد توجه پادشاهان این سلسله بوده تا جایی که آقامحمدخان و فتحعلی شاه در چشمه‌علی دامغان ساختمان‌های زیبایی بنا کردند که در سال‌های اخیر سازمان میراث فرهنگی تا حدودی آن‌ها را مرمت نموده است. این دو ساختمان تقریباً در مقابل هم یکی در خشکی و دیگری در داخل دریاچه واقع است.

در قسمت شمال و در داخل دریاچه به فاصله‌ی پانصد متر از تپه‌ها، ساختمان دو طبقه‌ای مشاهده می‌شود که ایوان محصور در آب داشته و توسط فتحعلی شاه ساخته شده است. در طبقه‌ی فوقانی و تحتانی که ایوان دارد از دو طرف باز است و هر کس در آن عمارت می‌نشست به اطراف عمارت مشرف بود. علاوه بر این، بنای دیگری در ضلع جنوبی دریاچه، متعلق به زمان آقامحمدخان قاجار است، که این ساختمان دارای یک طبقه و یک شاه‌نشین فوقانی است. این بنا از نظر معماری و زیبایی شبیه بنای فتحعلی شاه نیست. (زنده دل، 61)

### رودخانه‌ی چشمه‌علی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در شهرستان دامغان همانند سایر شهرهای استان، کلیه‌ی رودخانه‌ها فصلی بوده و از مهمترین آن‌ها می‌توان از رودخانه‌ی چشمه‌علی نام برد. آب چشمه‌علی در حدود 136 سهم است که هر سهم 6 خروار بذرافشان دارد و هشت سهم و سه ربع آن برای مشروب شدن آبادی‌های اطراف و بقیه نیز در آب بنخشان که در یک کیلومتری شمال دامغان واقع است به 3 قسمت تقسیم می‌شود. 2 قسمت آن به آبادی‌های پیرامون شهر و بخش سوم به شهر دامغان می‌رود.

#### 4 - قلعه‌ی گردکوه (گنبدان دژ)

بقایای این قلعه برفراز کوه منفرد و مرتفعی در 18 کیلومتری غرب دامغان و شمال روستای قدرت آباد قرار دارد. برای دسترسی به این قلعه، می‌توان از قدرت آباد به طرف روستای علی‌آباد مطلب خان رفت و از آن‌جا به قلعه‌ی گردکوه رسید. این قلعه، از کهنسال-ترین قلعه‌های ایران است، که سابقه‌ی آن به تاریخ اساطیری ایران باز می‌گردد و این، به جهت موقعیت خاص طبیعت و غیرقابل تسخیربودن آن است. براساس متون تاریخی و اشعار فردوسی، اسفندیار، قهرمان اساطیری ایران، مدتی را به فرمان پدرش گشتاسب در این قلعه زندانی بوده است. در متون تاریخی سده‌های نخستین اسلام نیز از این قلعه یاد شده است. در سال 456 هجری قلعه‌ی گردکوه جزء قلاعی بود که شهاب‌الدین قتلش، عموی آلپ ارسلان سلجوقی، در دست داشته است، ولی رونق اصلی قلعه مربوط به دوره‌ی 200 ساله‌ی تسلط اسماعیلیان بر آن است. این قلعه در جریان هجوم مغولان مقاومت بسیاری از خود نشان داد و حتی این مقاومت، 20 سال بعد از تسلیم سایر قلاع اسماعیلیه همچنان ادامه داشت. وضعیت قلعه به گونه‌ای است که جز از یک مسیر دشوار که در شرق آن واقع شده دسترسی بدان تقریباً غیر ممکن است. این کوه دو کمر بند تراس گونه دارد، که عرض آن از 1 تا 10 متر متغیر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این کمر بند به طور طبیعی در برخی نقاط قطع شده و دور زدن صخره‌ی کوه را غیرممکن می‌سازد. این نقاط را قلعه نشینان به دو طریق به یکدیگر ارتباط داده‌اند، یا صخره را تراشیده و یا با ایجاد دیواری از سنگ و ساروج قسمت‌های بریده شده را به یکدیگر متصل کرده‌اند. سطح قلعه که تقریباً بیضی شکل است، پستی و بلندی‌های زیادی دارد و چاه، حمام، ارگ، حوضچه‌های کوچک که احتمالاً برای نگهداری غلات و حبوبات از آن‌ها استفاده می‌شد و سایر تاسیسات مورد نیاز قلعه‌نشینان دیده می‌شود. در شیب ملایم دامنه‌ی کوه و گرداگرد

این قلعه بقایای دو حصار کمربندی دیده می‌شود، که علاوه بر استحکامات طبیعی، گفته شده مانع نفوذ دشمن به محدوده‌ی قلعه می‌شده است. (ملازاده، 132)

مطلب را در مورد کوه و قلعه گردکوه با شعر مولانا به پایان می‌بریم:  
هر یک چون ملحدان گرد کوه      کارد میزد پیر خود را بی ستوه

## 5- تپه حصار

تپه حصار؛ کهن‌ترین اثر باستانی و گردشگری دامغان محسوب می‌شود. در تپه حصار سه طبقه‌ی متمایز مربوط به دوران قبل از تاریخ تشخیص داده شده است. در قدیمی‌ترین طبقه‌ی آن خشت‌های خام پدیدار گشته که سفال آن با دست ساخته شده و گاهی نیز از چرخ کوزه‌گری استفاده شده است. این دسته از ظروف، شامل ماست خوری‌ها و جام‌های پایه‌دار است. نقوش هندسی خالص، ماریچ، دندان، خطوط افقی موازی و حیوانات (مار، مرغ‌های آبی و گوزن) در این طبقه مشاهده می‌شود. طبقه‌ی بعد؛ یعنی طبقه دوم الف و ب شامل ساختمان‌های آجری است. در طبقه‌ی سوم همزمان با سفال قدیمی، مجسمه‌های کوچک حیوانات از جنس گل پخته و مجسمه‌های کوچک انسان دیده می‌شود.

در طبقات اول و دوم نسبت به طبقه‌ی سوم آثار بیشتری به دست آمده است. وجود ظروف فلزی از جنس مس، برنز، طلا و نقره و حتی سرب نشان می‌دهد، که فلزکاری در آن زمان در میان مردم این ناحیه معمول بوده است. در تپه حصار علاوه بر، برخی آثار اشاره شده، از عهد ساسانی نیز آتشگاهی پیدا شده که مربوط به عهد قباد اول بوده و نقاشی‌های بسیار زیبایی روی دیوارهایش دیده می‌شود. (واندنبرگ، 14)

در واقع تمدن حصار، همان تمدنی است، که نام آن از دوره‌ی حصار اول گرفته شده است و ارتباطی با طبقات بعدی تپه حصار ندارد. این تمدن، تجلی تمدن سفال نخودی رنگ در این منطقه است و آثار معماری که در طبقه اول به دست آمده، عبارتست از: خانه‌های

کوچکی که دیواره‌های آن از خشت خام ساخته شده است. این خانه‌ها بدون هیچ نقشی اصلی و واحدی ساخته شده و دارای هیچ‌گونه نظم واحد و خاصی نیست. اتاق‌ها کوچک و بدون یک نقشی واحد یا شکل خاصی برای استفاده‌های مختلف ساخته شده‌اند. قبور متعددی نیز در این طبقه تمدنی به دست آمده است، که مجموع قبرهای آشکار شده، در سه لایه‌ی طبقه‌ی حصار یک، 144 قبر است. سن مردگان بین هفت تا هفتاد و پنج سال متفاوت است. تعداد مردگان مرد تقریباً دو برابر زنان، و قبرها عموماً در محوطه‌ی مسکونی واقع شده است. (حقیقت، 54-56) معرفی تپه حصار به جهات مختلف حایز اهمیت است که از حوصله‌ی این مقاله خارج است.

## 6 - مسجد جامع دامغان

این، همان مسجدی است که مقدسی نوشته است، در کوچه‌ها قرار دارد. درب ورودی مسجد جامع و مدرسه حاج فتحعلی بیگ زیر گنبد بزرگ خشتی که قیصریه می‌نامند، روبروی هم قرار گرفته، که مدرسه در سمت شمال و مسجد در جنوب گنبد واقع شده است. درب دیگر مسجد از طرف مشرق در محله‌ی خوریا است. از درب قیصریه که به دالان وارد می‌شویم، طرف راست مدخل، مناره و سمت چپ آن دری است که به حیاط کوچکی که گودتر از سطح دالان بوده و دو پله دارد، وارد می‌شود و در جهت شرق این محوطه، مسجدی است که از سطح محوطه قریب به 4 متر پایین‌تر است و آن را مسجد زیرزمینی می‌نامند و در تابستان سرد است و 35 متر طول و 18 متر عرض دارد. این مسجد را میرزا محمدخان سپهسالار بنا کرده است، که گویند در سفری که به مشهد می‌رفته است، چون فصل تابستان بود، در مسجد جامع نزد حاج میرزا رضای اول آمده و عصای مرصعی از طرف شاه به او داده و دستور ساختن این مسجد را داده است. (یغمائی، 56- حقیقت، 309) طول صحن مسجد 38 متر و عرض آن 36 متر است. در ضلع جنوبی صحن مسجد، سه ایوان قرار دارد که ایوان

وسط مرتفع تر و عریض تر از ایوان طرفین است و محراب در همین ایوان واقع است. سابقا در سمت راست، داخل ایوان وسط، منبری ساخته شده از آجر و گچ با هشت پله بوده که اکنون وجود ندارد. (بنی اسدی، 185-187)

### 7 - مناره‌ی مسجد جامع

درب ورودی مناره‌ی مسجد جامع دامغان در سمت چپ ضلع غربی دالانی است، که از طرف قیصریه وارد می‌شود. ارتفاع آن از سطح زمین 26/75 متر است و مقداری از قاعده‌ی آن در خاک و بین ساختمان‌های متصل به آن است. پایین آن 13/50 متر و بالای آن در جایی که کلاهدک شروع می‌شود 6/85 متر است. کتیبه‌ای آجری قریب 10 متر بالاتر از زمین وجود دارد که آیات ذیل بر آن حک شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکوه فیها مصباح

المصباح فی زجاجه الزجاجه»

تاریخ بنای مناره در حوالی سال 500 هجری قمری است و اگر این تاریخ صحیح باشد موقعی است که ایالت قومس، طبرستان، گیلان و ری در قلمرو آل باوند بوده و سپهبد شهریار بن قارن در قومس حکومت داشته است. (بنی اسدی، 490-491)

### 8 - مولود خانه

در زاویه‌ی شمال غربی شهر دامغان، بر روی تپه‌ی کم ارتفاعی که خندق اطراف آن حفر شده، قلعه‌ای با دیوار بلند و برج‌های متعدد وجود داشته است، که اکنون دیوار خراب شده و خاک آن در خندق ریخته شده است و جز مقداری از دیوار و خندق سمت شمال باقی نیست. در این مکان عمارتی مشتمل بر بیرونی و اندرونی و اصطبل بوده که اکنون بنای سابق تغییر کرده است. این قلعه از تخته‌های کلفت و با بندهای آهن، استوار بوده و سابقا مقر حاکم

شهر بوده است، زمانی که حسین قلی خان از طرف کریمخان حاکم دامغان بوده، باباخان در این قلعه پا به دنیا نهاده است و به همین دلیل این عمارت را مولود خانه نامیده‌اند. (کشاورز، 73 و 74 - اصغرپور، 58)

## 9 - آستانه‌ی مبارکه‌ی معصوم‌زادگان عبدالعالی (ع) و عبدالمعالی

در جنوب شرق دامغان و در محله‌ی معصوم‌زاده، مقبره‌ای وجود دارد که مشهور به معصوم‌زادگان عبدالعالی و عبدالمعالی است. برابر مدارک موجود در اداره‌ی اوقاف دامغان، در سنه‌ی 1205 دوازدهم ماه شعبان جناب امیرالمومنین در عالم رویا خواب‌نما نموده به کربلایی فضل‌علی، که دو تن امامزاده‌ی واجب‌التعظیم در شهر دامغان مدفونند به نام‌های امامزاده عبدالعالی و دیگری امامزاده عبدالمعالی و از ولدان فضل بن زید بن امام حسن مجتبی هستند که این مطلب بر روی سنگی کنده و در داخل حرم نیز وجود دارد. در کتابی به نام «بحر-الانسان عبدالعالی و عبدالمعالی» نوشته شده است.

بقعه‌ی آن دارای گنبد پیازی شکل و به صورت کوتاه از خشت و گل ساخته شده و در سطح خارجی آن با کاشی کبود معمولی مزین گردیده است. حرم به صورت اتاق هشت ضلعی که دارای هشت طاق نمای متساوی‌الاضلاع به ابعاد 2 متر و از سطح زمین حدود 50 سانتی‌متر است. مساحت تقریبی حرم 35 مترمربع و کف آن با موزاییک مفروش شده است. در وسط حرم مطهر نمای دو قبر وجود دارد که بر روی قبور یک ضریح چوبی غیر مشبک با حفاظ شیشه‌ای رنگی بدون سقف به طول 2/60 و بلندی 1/70 بر روی ستونی به ارتفاع 30 سانتیمتر از سطح زمین که با سنگ مرمر طوسی ساخته شده قرار گرفته است. در قسمت فوقانی ضریح، نام سازنده‌ی آن نوشته شده که در سال 1349 شمسی آقای محمدابراهیم خوشقدم آن را ساخته است. داخل حرم رنگ‌آمیزی شده و تزئینات آن به پنج لوستر کوچک خلاصه می‌شود.



در ضلع جنوبی حرم یک درب چوبی با ابعاد 3/18 وجود دارد که به ایوان مستطیل شکل به طول 11 متر و عرض 4 متر که دارای نمای آجری است، متصل است. سقف ایوان با گچ سفید شده و در وسط آن جلوی درب ورودی یک لوستر زیبا و بزرگ نصب شده است. جنب درب ورودی بقعه، درب چوبی در ارتفاع 1/5 متری از سطح زمین وجود دارد، که با چند پله به بقعه ارتباط دارد.

ایوان متصل به حرم با سه درب آهنی سبز رنگ، به ابعاد 4 و 2/50 متر به فضای وسیع، مرتفع و مربعی شکل مرتبط است. در ضلع شرقی تکیه که حدود 18 متر است، چهار درب آهنی سبز رنگ، مشابه درب‌های ایوان جلوی طاق‌نماها وجود دارد، که فضای داخلی هر طاق‌نما حدود یک متر است. در جنوب صحن بقعه، سالن بزرگی به مساحت 180 متر مربع وجود دارد که به حسینیه معصوم‌زاده معروف است و محل برگزاری مجالس سوگواری و تعزیه است.

در ضلع جنوب غربی صحن، حسینیه‌ای با زیربنای 215 متر مربع، در سه طبقه در دست احداث است. اداره‌ی امور آستانه، توسط هیئت امنای منتخب اداره‌ی اوقاف و امور خیریه است. (ندای قومس؛ ش 82، 4)

عمده‌ترین بناهای تاریخی و قدمت آنها در شهرستان دامغان <sup>1</sup>		
نام بنا	موقعیت جغرافیایی	قدمت تاریخی
قلعه‌ی گردکوه	دامغان	ساسانی
گنبد زنگوله	دامغان	صفاریه
مسجد جامع	دامغان	سلجوقی - غزنوی
امامزاده جعفر(ع)	دامغان	سلجوقی
پیر علمدار	دامغان	سلجوقی
برج طغرل	مهماندوست	سلجوقی
مسجد تاریخانه	دامغان	52 ق. ق
کاروانسرای قوشه	قوشه	صفویه
مجموعه‌ی چشمه علی	چشمه علی	قاجاریه
کاروانسرای شاه عباس	دامغان	صفویه
قلعه‌ی دولت آباد	دولت آباد	قاجاریه

<sup>1</sup> - سازمان میراث فرهنگی استان سمنان، سال 1372، سیمای استان سمنان، ج 1، ص 522.

## نتیجه

مهمترین نتیجه‌ی حاصله آن است، که گردشگری در صورتی که زمینه‌ها و بسترهای آن فراهم باشد، اثرات اقتصادی، اجتماعی زیادی در جامعه دارد. شهرستان دامغان نیز با وجود این زمینه‌ها به ویژه اماکن تاریخی می‌تواند سهم به‌سزایی در رونق صنعت گردشگری استان سمنان داشته باشد.



## فهرست منابع:

- 1- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (1368)، مراه البلدان، تصحیح و حواشی عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران.
- 2- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (1363)، مطلع الشمس، با مقدمه تیمور برهان لیمودهی، تهران، انتشارات فرهنگ.
- 3- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (1368)، المسالك و الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی
- 4- اصغرپور، ابراهیم و جمعی از نویسندگان، بناها و شهر دامغان، تهران، نشر فضا.
- 5- بزرگنیا، زهره، معماری ایران از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجاریه، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- 6- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، (1324)، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران.
- 7- بنی اسدی، علی، (1374)، سیمای استان سمنان، سمنان؛ دفتراستانداری.
- 8- حقیقت، عبدالرفیع، (1369)، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی از کهن ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجاریه، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- 9- زنده دل، حسن، (1376)، مجموعه راهنمای ایرانگردی استان سمنان، تهران، ایرانگردان.
- 10- سمعانی، عبدالکریم، (1382)، الانساب، به تصحیح عبدالرحمان بن یحیی المعلمی، حیدر آباد، دایره المعارف المشرقیه.
- 11- شود زکو، (1360)، نخبه سیفیه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعد، تهران، نشر تاریخ ایران.
- 12- شیروانی، زین العابدین، (1339)، ریاض السباحه، به تصحیح اصغر حامد ربانی، تهران، سعدی.
- 13- صنیع الدوله، محمدحسن خان، (1301)، مطلع الشمس، تهران.
- 14- عقابی، محمد مهدی، دایره المعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی، تهران، سوره.
- 15- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالحسین شرفکندی، تهران، موسسه اندیشه جوان.
- 16- کیانی، محمد یوسف، (1379)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، سمت.
- 17- کشاورز، علی اصغر، (1370)، تاریخ و جغرافیای دامغان، تهران، هیرمند.
- 18- گلزاری، مسعود، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- 19- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (1361)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان.
- 20- معین، محمد، (1383)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
- 21- مولف نامعلوم، حدود العالم من المشرق الی المغرب، (1340)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران.
- 22- ملازاده، کاظم، (1385)، دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، تهران، سوره مهر.
- 23- واندنبرگ، لونی، (1379)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران.
- 24- یغمائی، اقبال، (1356)، جغرافیای تاریخی دامغان، تهران، نشر مهر.